

بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی و عوامل زمینه‌ای مرتبط با فرار دختران از منزل در شهر همدان

یدالله خرم آبادی^۱

نورعلی فرخی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۰/۵/۱۲

تاریخ وصول: ۹۰/۱/۱۸

چکیده

پژوهش حاضر به منظور «بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی و عوامل زمینه‌ای مرتبط با فرار دختران از منزل در شهر همدان» صورت گرفته که از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است؛ جامعه آماری تحقیق، از دختران فراری که در سازمان بهزیستی و ستاد مبارزه با مفاسد اجتماعی استان همدان پرونده داشته‌اند و دختران غیر فراری شهر همدان تشکیل شده است؛ برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است، بنابراین تعداد ۵۰ نفر از دختران فراری از بین تمامی جامعه آماری به صورت نمونه‌گیری در دسترس به همراه تعداد ۵۰ نفر از دختران عادی از بین دانش‌آموزان متوسطه شهر همدان به صورت تصادفی انتخاب و بررسی شده‌اند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش شامل دو پرسشنامه است. پرسشنامه اول، ابزاری محقق ساخته بوده که شامل مشخصات عمومی پاسخگویان و علل فرار دختران از منزل می‌شود؛ پرسشنامه دوم، استاندارد SCL90 است که برای سنجش نه اختلال روانی دختران فراری به کار می‌رود. به غیر از متغیرهای سبک تربیتی والدین و سن، بقیه متغیرها بر پیش‌بینی فراری و یا غیر فراری بودن دختران تفاوت معنی‌داری را ایجاد نموده‌اند.

واژگان کلیدی: دختران فراری، فرار از منزل، روان‌شناختی، عوامل زمینه‌ای.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

۲- عضو هیئت علمی علامه طباطبایی



مقدمه

یکی از عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی که در سال‌های اخیر به عنوان تهدیدی جدی برای بسیاری از جوامع محسوب می‌شود، پدیده فرار دختران از خانه است. «شارلین» و «مورباراک»^۱ (۱۹۹۲) فرار از خانه را به معنی دور شدن از منزل به مدت ۲۴ ساعت یا بیشتر می‌دانند که بدون اطلاع والدین و یا برخلاف میل آنها صورت می‌گیرد. بر آورد می‌شود حدود ۵۰۰ هزار تا ۴ میلیون نوجوان از خانه‌های خود فرار می‌کنند (شاره، ۱۳۸۷، ص ۸). همچنین براساس آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه یک میلیون نوجوان ۱۹-۱۳ ساله از منزل فرار می‌کنند، که ۷۴ درصد آنها دختر هستند (والر و جودی، ۲۰۰۶، ص ۷۷۹). در آمریکا هر ساله ۱/۵ میلیون کودک از خانه فرار می‌کنند (روهر^۲، ۱۹۹۶). براساس شبکه ملی فرار و خدمات جوانان در سه درصد از خانواده‌های آمریکایی، سالانه یک نوجوان از خانه فرار می‌کند (شاره، ۱۳۸۷). همچنین از هر ۹ دانش آموز یک نفر سابقه فرار از منزل را دارد (روهر، ۱۹۹۶؛ وایتبک^۳ و همکاران، ۲۰۰۴). تحقیقات نشان می‌دهد که این معضل در بین دختران نوجوان از شیوع بالاتری برخوردار است (شاره، ۱۳۸۷)، به طوری که ۷۵ درصد افرادی که از خانه فرار می‌کنند دختر هستند (ماوو^۴، ۲۰۰۳). روند رو به افزایش آمار فرار دختران از خانه، نگرانی و هشدار صاحب نظران را به دنبال داشته است.

در ایران نیز پدیده فرار از منزل به مثابه یک معضل اجتماعی رو به رشد که با معیارهای اخلاقی، مذهبی و فرهنگی جامعه ما منافات دارد نگرین شده است. هر چند آمار و ارقام دقیقی در دست نیست اما اخبار، جرایم و مطبوعات از روند رو به رشد این آسیب اجتماعی، کاهش میانگین سنی دختران فراری و ظهور پیامدهای ناگوار آن حکایت می‌کند؛ به طور متوسط روزانه ۴۹ مورد فرار از منزل به مرکز ساماندهی کودکان و نوجوانان فراری وابسته به شهرداری تهران گزارش می‌شود (برزگر، ۱۳۸۲، ص ۲۷). دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی (۱۳۸۹) با استناد به اینکه ۴۰ درصد دختران

1. Sharlin ,Mor- Barak
2. Rohr
3. Whitbeck
4. Maveve



فراری پذیرش شده در مراکز، اختلالات عصبی و شخصیتی داشته‌اند، گزارش کرد استان قم با ۵۳/۱۲ نفر بیشترین نرخ فرار از منزل و سمنان با ۱۸/۱۴ نفر و تهران با ۱۷/۵۵ نفر در رتبه‌های بعدی فرار دختران از منزل قرار دارند. رضایی فر (۱۳۸۹، ص ۱۵) با اشاره به اینکه مطالعه روی ۱۲۰ دختر فراری نشان داده است که ۵۳ درصد آنها دارای پدر معتاد بوده و ۴۷ درصد مورد آزار فیزیکی قرار گرفته‌اند می‌افزاید ۵۳ درصد پدران و ۶۳ درصد مادران این دختران بیسواد و ۲۰ درصد نیز فرزندان طلاق هستند. مطالعه دیگر سازمان بهزیستی روی ۱۷۵ دختر فراری، حاکی است که اغلب دختران بررسی شده تحصیلات زیردیپلم و سن کمتر از ۱۸ سال و نیمی از آنها سابقه بیش از یک‌بار فرار داشته‌اند و بیش از نیمی نیز فاقد هرگونه سابقه محکومیت قضایی بوده‌اند. پدیده فرار از منزل نه تنها از نقطه نظر علل و عوامل پدید آورنده خود، حائز اهمیت می‌باشد بلکه به علت پیامدهای ناگواری که به دنبال دارد درخور تأمل است. زیرا نوجوانانی که اقدام به فرار می‌کنند و سریعاً به منزل برنمی‌گردند با خطر زیادی از قبیله: اعتیاد، روسپیگری، رفتارهای جنایی، و بیماری‌های مقاربتی مواجهند (وایتبک و همکاران، ۲۰۰۴؛ والر، ۲۰۰۶؛ اکسفورد و فروده^۱، ۲۰۰۳؛ هاگن و مککارتی، ۱۹۹۲).

طبق بررسی‌های انجام شده تنها در ۱۴ درصد موارد خانواده‌ها پس از بازگشت فرزندشان رفتار مناسب داشته‌اند. نکته مهم تر اینکه بسیاری از این دختران از سوی نزدیکان خود مورد تعرض قرار می‌گیرند. طبق آمار موجود ۳۶ درصد دخترانی که از خانه مجدداً فرار می‌کنند از سوی اعضای خانواده مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند؛ ۳۳ درصد تنبیه، ۶ درصد به گدایی و ۱۳ درصد به خرید و فروش مواد مخدر وادار می‌شوند (انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۳، ص ۲۹۱). در ۷۰ درصد موارد والدین، مسبب فرار دختران می‌شوند. تأسف انگیزتر آن که سن فرار دختران از ۱۶ سال به ۱۴ سال کاهش یافته است. با وجود آنکه مسئولان سعی دارند با این معضل برخورد نمایند، اما آمار نشان می‌دهد که پدیده‌ای به نام فرار دختران رو به افزایش است به طوری که هر سال ۱۵ تا ۲۰ درصد به آمار قبلی اضافه می‌شود (انجمن جامعه شناسی ایران، ۱۳۸۳، ص ۲۹۰).

براساس مطالعات انجام شده، شیوع این مسئله در بین دختران نوجوان بیشتر است و ۷۵ درصد این گروه را تشکیل می‌دهد. در ایران نیز رواج این پدیده به شکلی است که خدادادی و میری (۱۳۸۳) اظهار می‌دارند این امر از نظر اجتماعی متداول و رایج است-تنها از نظر قانونی پذیرفته نیست- براساس تحقیقات انجام شده در طی ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۲ نسبت به ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۱ فرار دختران از خانه از رشدی ۱۵ درصدی برخوردار بوده است. همچنین قماشچی (۱۳۸۳، ص ۹۱) اظهار می‌دارد که براساس مطالعه صورت گرفته در خصوص این افراد ۷۲ درصد زنان فراری در سنین ۱۶ تا ۲۵ سال قرار دارند. صمدی راد (۱۳۸۱، ص ۱۶) نیز افزایش ۲۰ درصدی آمار فرار نوجوانان ایرانی در طی حدود ۱۵ سال (از سال ۷۸-۱۳۶۵) ذکر می‌کند.

پدیده فرار دختران در سال‌های اخیر روبه فزونی نهاده و توجه بسیاری از متخصصان، سیاست‌گذاران و اذهان عمومی را به خود معطوف ساخته است.

فرار دختران به عنوان یکی از چالش‌های اجتماعی نیاز به مدیریت قوی اجتماعی در زمینه آسیب‌های اجتماعی دارد. پلیس روزانه ۹۰ نفر از جوانان فراری را که قربانی تجاوز و غیره شده‌اند دستگیر می‌کند. اکثر آنان در ترمینال‌ها، ایستگاه‌های راه آهن، پارک‌ها و ... به سر می‌برند (رسول زاده طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۰۵). افزایش نرخ رشد فرار در بین نوجوانان به ویژه دختران در طی سال‌های اخیر موجب شده بررسی‌های متعددی توسط پژوهشگران مختلف در این زمینه انجام شود. این بررسی‌ها براساس دیدگاه‌های مختلف علمی، هر یک از زاویه‌ای خاص به این مسئله نگریسته‌اند و بر آن اساس پیشنهادهایی ارائه داده‌اند. برخی به مطالعه علت این پدیده در فرد و برخی به عوامل بیرونی پرداخته‌اند. علی‌رغم ارزشمندی مطالعه انجام شده، به نظر می‌رسد که جنبه‌های اساسی (ویژگی‌های روان‌شناختی و عوامل زمینه‌ای) در بررسی این پدیده به صورت پنهان باقی مانده که ضرورت بررسی مجدد این پدیده و واکاوی آن را ایجاب می‌نماید. بر این اساس و با این دیدگاه، این پژوهش با هدف واکاوی بررسی انجام شده و با وام گرفتن از برخی اطلاعات آنها، برای بررسی عمیق‌تر این مسئله به تلاشی دوباره دست می‌زند. بنابراین تحقیق حاضر به دنبال آن است که دریابد: آیا بین ویژگی‌های روان‌شناختی دختران با فرار



آنان از منزل ارتباط وجود دارد؟ آیا بین عوامل زمینه‌های دختران با فرار آنان از منزل ارتباط وجود دارد؟

روش شناسی تحقیق

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دختران فراری (که در سازمان بهزیستی و ستاد مبارزه با مفاسد اجتماعی استان همدان پرونده دارند) و غیر فراری استان همدان بوده است. برای انتخاب نمونه‌ها، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است. بنابراین تعداد ۵۰ نفر از افراد مذکور از بین دختران فراری و ۵۰ نفر دختران عادی نیز از بین دانش‌آموزان متوسطه شهر همدان به صورت در دسترس انتخاب و بررسی شده‌اند. پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها از نوع روش همبستگی است. جهت انجام تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از روش تحلیل تشخیص استفاده شد.

ابزار پژوهش

در این پژوهش ابزار گردآوری اطلاعات شامل دو پرسشنامه است. پرسشنامه اول، ابزاری محقق ساخته بوده که حاوی مشخصات عمومی پاسخگویان (وضعیت جسمی، سواد، وجود والدین، تعداد افراد خانواده، درآمد خانواده، سبک تربیتی، سن، نزاع خانواده، محل سکونت و اعتیاد) و علل فرار دختران از منزل و شدت فرار در این دختران می‌شود. این پرسشنامه شامل ۱۲ سؤال است؛ پرسشنامه دوم، استاندارد SCL90 است که برای سنجش ۹ اختلال روانی دختران فراری در نظر گرفته شده ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برای ۹ بعد ویژگی‌های روان‌شناختی به شرح ذیل محاسبه شده است: شکایت‌های جسمانی ۸۶ درصد، وسواس ۸۰ درصد، حساسیت در روابط متقابل ۷۸ درصد، افسردگی ۸۶ درصد، اضطراب ۸۷ درصد، پرخاشگری ۷۷ درصد، ترس مرضی ۷۵ درصد، افکار پارانوئیدی ۷۶ درصد، روان‌گسستگی ۷۶ درصد و کل سؤال‌ها ۹۷ درصد بوده است (خرم آبادی، ۱۳۸۸، ص ۷۷).



فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین عوامل زمینه‌ای و فرار دختران از منزل رابطه معنی دار وجود دارد؛
- ۲- بین ویژگی‌های روان شناختی و فرار دختران از منزل رابطه معنی دار وجود دارد.

نتایج

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر با روش تحلیل تشخیص صورت گرفته است. آزمون تساوی میانگین گروه‌ها بررسی شد. هدف از این نوع آزمون بررسی این امر است که آیا بین متغیرهای پیش بین در دو گروه تفاوت وجود دارد یا نه. نتایج آزمون در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱. آزمون تساوی میانگین گروه‌ها

متغیر	لامبدای ویلکز	F	درجه آزادی	سطح معناداری
شکایت جسمانی	۰/۲۷۱	۲۶۳/۳۳۹	۹۸	۰/۰۰۱
وسواس	۰/۲۴۴	۳۰۲/۸۶۹	۹۸	۰/۰۰۱
حساسیت	۰/۰۵۹	۱/۵۷۶	۹۸	۰/۰۰۱
روان پریشی	۰/۱۰۱	۸۷۰/۸۲۷	۹۸	۰/۰۰۱
پارانویید	۰/۱۵۸	۵۲۰/۳۵۴	۹۸	۰/۰۰۱
وضعیت جسمی	۰/۵۱۱	۹۳/۸۷۰	۹۸	۰/۰۰۱
سواد	۰/۶۶۴	۴۹/۴۹۳	۹۸	۰/۰۰۱
وجود والدین	۰/۳۸۷	۱۵۵/۳۵۰	۹۸	۰/۰۰۱
تعداد افراد خانواده	۰/۳۷۰	۱۶۶/۹۷۵	۹۸	۰/۰۰۱
درآمد خانواده	۰/۳۵۱	۱۸۱/۱۵۶	۹۸	۰/۰۰۱
سبک تربیتی	۰/۹۷۹	۲/۱۳۵	۹۸	۰/۱۴۷
سن	۰/۹۷۰	۳/۰۸۱	۹۸	۰/۰۸۲
نزاع خانواده	۰/۴۵۷	۱۱۶/۶۶۷	۹۸	۰/۰۰۱
محل سکونت	۰/۹۲۲	۸/۲۶۹	۹۸	۰/۰۰۵
اعتیاد	۰/۳۵۱	۱۸۰/۸۷۰	۹۸	۰/۰۰۱



۰/۰۰۱	۹۸	۳۵۲/۰۲۰	۰/۲۱۸	ترس مرضی
۰/۰۰۱	۹۸	۵۱۷/۶۴۶	۰/۱۵۹	پرخاشگری
۰/۰۰۱	۹۸	۷۱۳/۶۴۵	۰/۱۵۱	اضطراب
۰/۰۰۱	۹۸	۴/۰۳۲۳	۰/۰۲۴	افسردگی

همان گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد به غیر از متغیر سبک تربیتی والدین و سن، بقیه متغیرها برای تشخیص فراری و یا غیرفراری بودن دختران عوامل تعیین کننده‌ای بوده‌اند. میزان «مقدار ویژه» که اهمیت ابعادی را نشان می‌دهد موردهای متغیر وابسته با گروه‌بندی را طبقه بندی می‌کنند، و همبستگی کانونی در پژوهش حاضر به ترتیب، ۱۲۸/۵۳۷ و ۰/۹۹۶ است. میزان لامبدای ویلکز کلی نیز معنی دار است:

$$\lambda = 0/008 = \text{لامبدای ویلکز}$$

$$P = 0/0005$$

$$df = 19 = 430/461$$

طبق ادبیات تحلیل تشخیص لامبدای ویلکز از طریق محاسبه نسبت مجذورات درون گروهی به کل مجذورات به دست می‌آید و هر چقدر میزان آن کوچک‌تر باشد مشارکت آن متغیر با دو تابع تشخیصی نیز بیشتر است. معنی داری لامبدای ویلکز در این پژوهش به معنای تأیید فرض پژوهش (بین عوامل زمینه‌ای و ویژگی‌های روان‌شناختی با فرار دختران از منزل رابطه معنی دار وجود دارد) می‌باشد.

در پژوهش حاضر جدول ۲ میزان همبستگی ساختاری متغیرها را نشان می‌دهد. این جدول که به جدول بارهای تشخیصی نیز شهرت دارد، همبستگی‌های بین یک متغیر پیش بین معین و نمره‌ای تشخیصی مربوط به یک تابع تشخیصی معین را نشان می‌دهد. ضرایب این جدول نشان می‌دهد که یک متغیر تا چه حد رابطه نزدیکی با هر تابع دارد. این ضرایب، همبستگی‌های ادغامی درون گروه‌ها بین متغیرهای مستقل و تابع‌های تشخیصی کانونی معیار شده هستند.



جدول ۲. همبستگی ساختاری متغیرها

متغیر	تابع
درآمد خانواده	-۰/۱۲۰
اعتیاد	۰/۱۲۰
تعداد افراد خانه	۰/۱۲۰
وجود والدین	۰/۱۱۵
نزاع خانواده	۰/۱۱۱
وضعیت جسمی	۰/۰۸۶
سواد	-۰/۰۶۳
محل سکونت	۰/۰۲۶
سن	۱۰/۰۱۶
سبک تربیتی	۰/۰۱۳
افسردگی	۰/۵۶۶
حساسیت	۰/۳۵۴
روان پریشی	۰/۲۶۳
اضطراب	۰/۲۳۸
پارانویید	۰/۲۰۳
پرخاشگری	۰/۲۰۳
فوبیا	۰/۱۶۷
وسواس	۰/۱۵۵
شکایت جسمانی	۰/۱۴۵

همان گونه که ملاحظه می شود در جدول فوق متغیرها بر حسب میزان کمکشان مرتب شده اند. میزان منفی سواد و درآمد خانواده به ما می گوید که این دو با مقادیر تابع، همبستگی منفی دارد. بقیه متغیرها بر حسب میزان تأثیرشان در جدول ذکر شده اند. مقدار تابع تشخیص برای هر کدام از گروهها (۱۱/۲۲۳-) است. با توجه به منفی بودن تابع فوق می توان نتیجه گرفت که تابع بین دو گروه تمیز قایل شده است. آخرین داده در پژوهش حاضر درصد میزان موفقیت تابع تشخیص است. این تابع، کلیتی از نحوه عضویت گروهها در مقایسه با آنچه که با استفاده از تشخیص پیش بینی شده



را نشان می‌دهد. در این مورد می‌توان گفت که تابع تشخیص به میزان ۱۰۰ درصد به درستی می‌تواند پیش بینی کند.

با انجام تحلیل تشخیص در پژوهش حاضر با متغیر ملاک، فرار دختران در دو گروه و متغیرهای پیش بین (۲۰ متغیر) در مجموع ۱۰۰ نفر وارد تحلیل شدند. تحلیل واریانس یک طرفه آشکار کرد که هر کدام از متغیرهای پیش بین (به غیر از سبک تربیتی و سن) به طور معنی داری توان پیش بینی دارند. یک تابع تشخیصی یک عاملی انجام شد مقدار این تابع برای دختران فراری و عادی به طور معنی داری متفاوت بود:

$$df= ۴۳۰/۴۶۱$$

$$P < ۰/۰۰۰۵$$

همبستگی بین متغیرهای پیش بین و تابع تشخیص پیشنهاد می‌کند که متغیرهای افسردگی، حساسیت، روان‌پریشی، اضطراب، پارانوئید، پرخاشگری، ترس مرضی، وسواس، شکایت جسمی، اعتیاد، تعداد افراد خانواده و وجود یا عدم وجود والدین بهترین پیش بینی کننده فرار دختران از منزل هستند (جدول ۲).

متغیرهای سواد و درآمد خانواده با فرار دختران همبستگی منفی داشتند. کمترین همبستگی‌ها در رابطه با متغیرهای سبک تربیتی، سن، محل سکونت و وضعیت جسمی فرد است. در کل، تابع تشخیص می‌تواند با میزان ۱۰۰ درصد پیش بینی موفقیت آمیزی به عمل آورد.

بحث

در فرضیه اول به این مطلب پرداخته شده که عوامل زمینه‌ای با شدت فرار دختران از منزل مرتبط است. نتیجه‌ی آزمون این فرضیه که با استفاده از آزمون تحلیل تشخیص به بررسی رابطه متغیرهای شکایت جسمانی، درآمد خانواده، اعتیاد، تعداد افراد خانواده، وجود والدین، نزاع خانوادگی، وضعیت جسمانی، سواد، محل سکونت، سن و سبک تربیتی بر روی فرار از منزل آنان پرداخته است، نشان می‌دهد که متغیرهای نزاع خانوادگی، وضعیت

جسمانی، سواد، محل سکونت، سن و سبک تربیتی، هر کدام به تنهایی کمتر از ۱۰ درصد رابطه معنی داری با فرار دختران از منزل دارند. ضمن اینکه سبک تربیتی و سن، توابع معنی داری نبودند ($p > .05$). رابطه متغیرهای درآمد خانواده، اعتیاد، تعداد افراد خانواده و وجود والدین، هر کدام به تنهایی بین ۱۱ تا ۱۲ درصد به دست آمده است. به اعتقاد پژوهشگران اجتماعی، فرار دختران یک مکانیسم روانی است که برای رسیدن به امنیت و رهایی از سلطه والدین، زندگی در خیابان‌ها را بر می‌گزینند (حقیقت دوست، ۱۳۸۳، ص ۲۵۵).

یافته‌های پژوهش حاضر در ارتباط با عوامل زمینه‌ای با نتایج پژوهش کوهن^۱ و همکاران (۱۹۹۱) درباره نوجوانان فراری امریکا، روهر (۱۹۹۶)، صمدی‌راد (۱۳۸۱) و حیات روشنایی (۱۳۸۳)، خرم‌آبادی (۱۳۸۲) و انجمن جامعه شناسی (۱۳۸۳) هم سو است. نظریه واکنش اجتماعی هاروارد و ادوین لمرت (روهر، ۱۹۹۶) در این خصوص معتقد است که در خانواده‌های نابسامان فرصت اجتماعی برای جامعه پذیری سالم وجود ندارد و شبکه روابط شخصی به هم ریخته است. در نتیجه تصور از خود، به علت مشخص نبودن نقش والدین فروپاشیده است و قربانیان این فروپاشی در جامعه زمینه‌ساز کجروی‌های بعدی خواهند بود.

فقر فرهنگی و بی سوادی پدر نیز نقش مؤثری در فرار دختران از منزل دارد که این یافته هم با یافته‌های دیگران (راهب، ۱۳۸۰؛ سعیدی، ۱۳۷۳؛ مقدسی، ۱۳۸۱؛ ارفع نیا، ۱۳۸۳؛ شاره، ۱۳۸۷؛ روهر، ۱۹۹۶؛ زواره‌ای، ۱۳۸۰؛ و خدادادی و میری، ۱۳۸۳) هم خوان است. پدرانی که تحصیلات بالاتری دارند نسبت به افراد بی‌سواد، به دلیل داشتن مهارت‌های شناختی-هیجانی بالادربرخورد با مشکلات زندگی سازگارترند. توزیع نوع شغل پدران دختران فراری به طور معنی داری در مشاغل رده پایین بوده است. این نتایج نیز با یافته‌های دیگران (شاره، ۱۳۸۷؛ روهر، ۱۹۹۶؛ و زواره‌ای، ۱۳۸۰) هماهنگ بود.

همچنین هم سو با سایر تحقیقات (راهب، ۱۳۸۰؛ سعیدی، ۱۳۷۳؛ مقدسی، ۱۳۸۱؛ ارفع نیا، ۱۳۸۳؛ اردلان، ۱۳۸۵؛ بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵؛ تقوی، ۱۳۸۳؛ حمیدی، ۱۳۸۳؛ خاکپور، ۱۳۸۳)، دختران فراری در خانواده‌هایی که تعداد اعضای خانواده آنها پنج نفر و بیشتر



بودند پیدا شدند. در توجیه این یافته می‌توان گفت والدین در خانواده‌های پر جمعیت از فرصت و توانایی کمتری برای رسیدگی به نیازهای زیستی، روانی و مشکلات فرزندان خود برخوردارند و از اصلاح خطا و اشتباه آنان باز می‌مانند (شاره، ۱۳۸۷).

اکثر دختران فراری به خانواده‌های کم درآمد و یا درآمد متوسط به پایین تعلق دارند. نتیجه به دست آمده همسو با دسته بندی علل فرار از منزل دپارتمان خدمات انسانی و سلامتی امریکاست (روهر، ۱۹۹۶). بررسی‌ها نشان داده‌اند که فرار از خانه یکی از بازتاب‌های خشونت خانگی است (روهر، ۱۹۹۶؛ ارفع نیا، ۱۳۸۳؛ حیات روشنایی، ۱۳۸۳؛ ربانی بیطرف، ۱۳۸۱؛ رستم خانی، ۱۳۸۱) که در تحقیق حاضر آن تأیید شده است. بنابراین، اعمال خشونت‌های روحی و جسمی و غفلت از سوی اعضای خانواده به ویژه پدر، عامل بسیار مهمی در فرار دختران از منزل است (رسول زاده طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۴؛ روح‌الله زاد صومعه سرایی، ۱۳۷۹؛ صمدی راد، ۱۳۸۱؛ فتحی، ۱۳۸۶؛ کاوه، ۱۳۸۱؛ میرزمانی بافقی، ۱۳۸۳؛ دیمن^۱، ۲۰۰۰؛ والر، ۲۰۰۶؛ وایتبک و همکاران، ۱۹۹۹). زیرا به دلیل ترس از آزاردهندگان و آبروی خویش و مسائل فرهنگی جسارت اظهار مشکلاتشان را ندارند و این امر موجب شده دختران در خانه احساس آرامش و امنیت نکنند و در نتیجه از شیوه مقابله‌ای هیجان محور (فرار و یا خودکشی) استفاده می‌کنند. حتی گاهی اوقات به دنبال جایگزین مناسب برای والدین، به ایجاد رابطه با جنس مخالف گرایش پیدا کنند و هم‌نشینی با دوستان پسر را بر خانواده ترجیح دهند.

در فرضیه دوم به این مطلب می‌پردازد که بین ویژگی‌های روان شناختی و فرار دختران از منزل، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. برای زیر متغیرهای فرضیه فوق باید نتیجه‌گیری نمود که: اختلالات افسردگی به میزان (۰/۵۶۶) درصد، شکایت جسمانی به میزان (۰/۱۴۵) درصد، اضطراب به میزان (۰/۲۳۸) درصد، روان‌پریشی به میزان (۰/۲۶۳) درصد، وسواس به میزان (۰/۱۵۵) درصد، حساسیت بین فردی به میزان (۰/۳۴۵) درصد، فویا به میزان (۰/۱۶۷) درصد، پرخاشگری به میزان (۰/۲۰۳) درصد و پارانوایا به میزان (۰/۲۰۳) درصد، با فرار دختران از منزل رابطه دارند. نتیجه‌آزمون این فرضیه نشان می‌دهد



که این متغیرها رابطه معنی داری با فرار دختران از منزل دارند. یافته‌های این فرضیه هم با یافته‌های دیگران میرزمانی بافقی (۱۳۸۳)، محمدخانی (۱۳۸۶)، فتحی (۱۳۸۶)، کامرانی فکور (۱۳۸۵)، برزونسکی^۱ (۲۰۰۳)، برزونسکی و همکاران (۲۰۰۳)، یودر^۲ (۲۰۰۱)، وایتبک و همکاران (۲۰۰۴)، والرو جودی (۲۰۰۶)، اکسفورد و فروده (۲۰۰۳) ماوو، (۲۰۰۳)، و دامن (۲۰۰۰) همخوان است. در تمامی این تحقیقات انجام شده بین اکثر بیماری‌های روانی و فرار از منزل ارتباط معنادار و قوی پیدا شده است (برای مثال: کریج و دامون^۳، ۲۰۰۱؛ شارلین^۴ و باراک، ۱۹۹۲؛ کانر^۵، ۲۰۰۱؛ هاگن و مککارتی، ۱۹۹۲؛ اتی^۶، ۱۹۹۵؛ یودر، ۲۰۰۱؛ عبدالجلیل^۷، ۱۹۹۵؛ جانوس^۸، ۱۹۹۵).

به اعتقاد پژوهشگران اجتماعی، فرار دختران فرایند یک مکانیسم روانی است که برای رسیدن به امنیت و رهایی از سلطه والدین، زندگی در خیابان‌ها را بر می‌گزینند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد مشکلات مربوط به بی سرپرستی (وجود ناپدیری و نامادری، ۵۸/۷۵ درصد؛ نیز از فقدان پدر یا مادر و یا هر دو، (۴۱ درصد) سابقه کیفری پدر (۵۴ درصد) مشکلات بد سرپرستی (اعتیاد، مشکلات اخلاقی و روانی) و طلاق مادران (۳۷ درصد) از عوامل بسیار تأثیرگذار بر فرار دختران می‌باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش کوهن و همکاران (کوهن، ۱۹۹۹) درباره نوجوانان فراری امریکا، همسو است و نشان می‌دهد که درصد بالایی از دختران فراری در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که شرایط متعادلی نداشته و با آسیب‌های مختلف اجتماعی از قبیل: خشونت، اعتیاد، بی سرپرستی وجدایی والدین روبه رو بوده‌اند.

از این رو می‌توان گفت فرار دختران نوجوان در نمونه بررسی شده، نشانه اختلال در شخصیت و عملکرد خانواده‌های آنهاست. فقر فرهنگی و بی سوادی پدر (۷۶ درصد

-
1. Berzonusky
 2. Yoder
 3. Craige & damon
 4. Sharlin
 5. Conner
 6. Athey
 7. Abdelgalil
 8. Janus



بی‌سواد و ابتدایی) نیز نقش مؤثری در فرار دختران از منزل دارد که این یافته هم با یافته‌های دیگران (کریج و دامون، ۲۰۰۱؛ شارلین، ۱۹۹۲؛ کانر، ۲۰۰۱؛ هاگن، ۱۹۹۲؛ اتی، ۱۹۹۵؛ یودر، ۲۰۰۱) همخوان است. توزیع نوع شغل پدران دختران فراری به طور معنی داری در مشاغل رده پایین از قبیل کارگری (۲۴/۰۹ درصد) و خرده فروشی قرار داشته و یا بیکار (۱۵/۶۶ درصد) و نامعلوم (۲۲/۸۹ درصد) بوده و کمترین میزان به مشاغل متوسط از قبیل کارمندی و یا فرهنگی (۹ درصد) اشتغال داشته‌اند. این نتایج نیز با یافته‌های (مقدسی، ۱۳۸۱؛ ارفع نیا، ۱۳۸۳؛ اردلان و سیدان، ۱۳۸۵؛ بخشی سورشجانی، ۱۳۸۵) هماهنگ بود. فشار اقتصادی که با متغیرهایی چون فقر فرهنگی، بعد خانوار و تحصیلات پایین همراه می‌گردد، تشدیدکننده تشنجات خانوادگی و سست شدن روابط عاطفی در خانواده و در نهایت باعث زندگی در محلات فقیرنشین و وضعیت نابسامان مسکن شده و زمینه ساز بسیاری از نابهنجاری‌های خانوادگی و انحراف‌های اجتماعی می‌گردد.

هاگن و مک کارتی (۱۹۹۲) خاطر نشان می‌سازند که نگرانی زیاد در مورد فرار نوجوانان از منزل به خاطر فراوانی آن نیست، بلکه به دلیل خطرهایی است که در بیرون از منزل متوجه آنها است. نوجوانان فراری سریعاً به خانه برنمی‌گردند، آنها با خطرهای زیادی از قبیل: اعتیاد، روسپیگری، رفتارهای جنایی، ایدز و سایر عفونت‌های مقاربتی مسری و سوء مصرف و یا فروش مواد مخدر مواجهند. در این تحقیق نیز، ۷۰ درصد افراد نمونه اشاره نمودند بیش از یک ماه تا دو سال و بیشتر دور از خانه زندگی کرده‌اند. علاوه بر این، ۳۲ درصد دختران گفته‌اند که هزینه خود را از طریق ارتباط جنسی تأمین می‌کردند. یافته‌های این پژوهش و دیگر پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه هشدار می‌دهد به خانواده‌ها و مسئولان ذی‌ربط است که برای رفع آن باید چاره‌اندیشی نمایند.



منابع فارسی

- اردلان، علی؛ سیدان، فریبا؛ ذوالفقاری، مصطفی. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر فرار زنان و دختران از منزل (بخش ۲ و ۱)، دو جلد، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۵۸: ۲۲۰-۱۸۷.
- اردلان، علی؛ سیدان، فریبا. (۱۳۸۵). فرار زنان همسر دار از منزل: بررسی عوامل مؤثر اجتماعی - روانی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۱: ۲۷۴-۲۵۳.
- ارفع نیا، یوسفعلی. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر بر فرار دختران و زنان از منزل، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان غربی: ۱۱-۱۵.
- انجمن جامعه شناسی ایران، (۱۳۸۱)، آسیب‌های اجتماعی. انتشارات آگاه: ۱۴۳-۱۴۹.
- انجمن جامعه شناسی ایران. (۱۳۸۳). آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، (مقالات اولین همایش ملی، آسیب‌های اجتماعی در ایران)، تهران: نشر آگاه: ۲۷۳-۲۹۴.
- برزگر، صادق. (۱۳۸۲). فرار دختران، قم: نشر جمال، چاپ سوم.
- بخشی سورشجانی، لیلا. (۱۳۸۵). بررسی علل فرار دختران ۲۰-۱۳ ساله در استان خوزستان. سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
- تقوی، سیدمحمد رضا؛ هاشمی، لادن. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مؤثر در فرار دختران از خانه، اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران: ۸۷-۹۸.
- حقیقت دوست، زهرا. (۱۳۸۳). عوامل زمینه ساز فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۳: ۲۶۶-۲۵۱.
- حمیدی، فریده. (۱۳۸۴). تأثیر ساخت خانواده بر فرار دختران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۳: ۵.
- حیات روشنایی، افسانه. (۱۳۸۱). بررسی رابطه فرار دختران از منزل با وضعیت خانوادگی، شیوه‌های تربیتی والدین و میزان اعتماد به نفس آنان، اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران: ۵۶-۶۷.
- حیدری، شیمیا. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش تنش زدایی تدریجی و مهارت های حل مسئله بر کاهش تمایل به فرار در دختران در معرض فرار، پایان نامه ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا.
- خاکپور، مسعود. (۱۳۸۳). نقش خانواده در فرار دختران از منزل، نخستین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران: ۱۱۲.



- خرم آبادی، یدالله، (۱۳۸۲)، عوامل مرتبط با پدیده فرار از منزل در میان دختران ساکن در استان همدان، پژوهشکده نیروی انتظامی استان همدان.
- خرم آبادی، یدالله، (۱۳۸۸)، آزمون‌های روان‌شناختی بزرگسالان ۱. همدان: نشر چنار
- خدادادی، مریم؛ میری، محمدرضا، (۱۳۸۳)، نقش آسیب‌های اجتماعی خانواده در ایجاد پدیده دختران فراری، نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران: ۹۶.
- راهب، غنچه، (۱۳۸۰)، بررسی عوامل خانوادگی مؤثر در گرایش نوجوانان دختر ساکن شهر تهران به بزهکاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
- ربانی بیطرف، فاطمه، (۱۳۸۱)، نقش رفتار والدین در فرار نوجوانان از منزل در شهر تهران، کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی.
- رستم‌خانی، معصومه، (۱۳۸۱)، بررسی متقابل سوگیری کارکرد خانواده (پدر و مادر) با کنش فرار دختران، اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران: ۱۸.
- رسول زاده طباطبایی، کاظم؛ طهرانی زاده، مریم؛ آزادفلاح، پرویز، (۱۳۸۴)، بررسی مقایسه‌ای نگرش‌های ناکارآمد در دختران فراری و عادی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۹: ۲۰۵.
- روح‌الله زاد صومعه‌سرای، طاهره، (۱۳۷۹)، بررسی زمینه‌های فرار دختران از خانه، پایان‌نامه کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- زواره‌ای، فاطمه، (۱۳۸۰)، بررسی علل خانوادگی، اجتماعی فرار دختران (۱۴-۲۰ سال) از منزل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی ۱۳۹-۷۲.
- سعیدی، محمد، (۱۳۷۲)، بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی ۱۲۶-۸۹.
- شاره، حسین، (۱۳۸۷)، ارتباط متغیرهای جمعیت‌شناختی با ریسک فرار از منزل در دختران نوجوان مشهد، فصلنامه علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی مشهد، سال دهم شماره ۳۷: ۱۴-۷.
- شاره، حسین؛ اصغرنژاد، علی‌اصغر؛ یکه‌یزدان‌پرست، رخساره؛ طباطبایی، سیدمحمود، (۱۳۸۵)، ارتباط مؤلفه‌های هوش هیجانی و ریسک فرار در دختران نوجوان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال، شماره ۲۱: ۵۰-۶۰.

- صمدی راد، انور. (۱۳۸۱). بررسی عوامل اجتماعی و خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از خانه، اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران: ۱۶.
- فتحی، منصور. (۱۳۸۶). عوامل خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۷: ۵۴-۶۶.
- قماشچی، فردوس. (۱۳۸۳). بررسی کودک‌آزاری و پیامدهای منفی آن بر روند رشد روانی اجتماعی کودکان آزار دیده، نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران: ۸۸-۹۲.
- کامرانی فکور، شهربانو. (۱۳۸۵). شیوع خشونت‌های خانوادگی تجربه شده در کودکان فراری و غیرفراری، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۱: ۱۹۷.
- کاوه، منیژه. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری و کنترل دختران فراری و عادی ۱۲ تا ۱۸ سال در شهر تهران بزرگ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کودکان استثنایی، دانشگاه علامه
- محمدخانی، شهرام. (۱۳۸۶). عوامل روانی-اجتماعی مؤثر در فرار دختران از خانه، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۲۵: ۱۶۸-۱۴۷.
- مقدسی، مریم. (۱۳۷۹). بررسی علل فرار دختران نوجوان از خانه، پایان‌نامه کارشناسی مددکاری اجتماعی علوم بهزیستی و توانبخشی.
- میرزمانی بافقی، سید محمود. (۱۳۸۳). ویژگی‌های زمینه‌ای و خانوادگی دختران فراری در شهر تهران، نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران: ۲۷۳-۲۹۴.

منابع لاتین

- Abdelgalil S. Gurger RG. (1995). *The female street children of ratio de Janeiro: A qualitative study of their backgrounds*. *Trope podiatry*, 41(1): 43-46.
- Berzonusky, M.D. (2003). *Identity style and well-being: Dose commitment matter? Identity: An International Journal of Theory and Research*, 3, 131-142.
- Berzonusky, M.D. Macek, P. & Nourmi, J.E. (2003). *Inter relationship among identity process, content, and structure: A cross-cultural investigation*. *Journal of Adolescent Research*, 18. 112-130.
- Cohen E, Mackenzie RG, Yates GL. HEADS. (1991). *a psychosocial risk assessment instrument: implications for designing effective intervention programs for runaway youth*. *Journal of Adolescent Medicine*, 12: 539-544



- Conner Mg. (2001). *Understanding and preventing teenage runaways*. Available from: [http:// www. Crisiscounseling.com](http://www.Crisiscounseling.com).
- Craige, G.J. & Damon, D. (1999). *Human development*, ed. 8, Prentec-Hall, Inc: 88-89. 12
- Deman, A. F. (2000). *Predictors of adolescent running away behavior*. *Social Behavior and Personality*, 28,261-268.
- Hagen, J. S. & McCarty, B. (1992). *means stress: The theoretical significance of situational diligences among homeless youth*, *American Journal of sociology*, 98: 5-627
- Janus M.D., Archambault F.X., Brown S.W., Welsh, L.A. (1995). *Physical abuse in Canadian runaway adolescents*. *Child Abuse & Neglect*, 19(4): 433-477.
- Maveve K. (2003). *Woman leaving jail*, *Journal of psychosocial Nursing*: 41(9):30-38.
- McCarthy, B., Hajan, J, and Martin, M. J. (2002). *In and out harms way: Violent victimization and r\the social capital of fifth street families*. *Criminology*, 40.381-866.
- Oaxford, K., & Frude, N. (2003). *The process of coping following child sexual abuse: a qualitative study*. *Journal of Child Sexual Abuse*, 12, 41.
- Rohr ME.(1996). *identifying adolescent runaways: the perspective utility of the personality inventory for children*. *Adolescence*, 31(123):605-23.
- Sharlin .S.A. Mor- Barak, M. (1992). *Runaway girls' in distress: motivation, background, and personality*. *Adolescence*, , 27(106):387-405
- Waller, G. & Jody. M. (2006). *Who Runs? A demographic profile of runaway youth in United States*. *Journal of Adolescent Health*. 39, 778-781.
- Whitbeck, L. B., Hoyt, D. R. and Youder. K. A .(1999). *A risk amplification model of victimization and depressive symptoms among runaway and homeless adolescents*. *American Journal of Community Psychology*. 27.273-296.
- Whitbeck, L. B.: Johnson, K.D.: Hoyt, D. R. & Cauce, A. M. (2004). *Mental disorder and co morbidity among runaway and homeless adolescents*. *Journal of Adolescent Health*. 35 (2), 132-140.
- yoder K., Whitbeck LB, Hoyt DR. (2001). *Event history analysis of antecedents to running away from home and being on the street*, *American Behavioral Scientist*, 45:61-65.